

شنبه ۱۸ اگست ۲۰۱۸

مرجان کمال

یادداشت های پراکنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده کمال

"گفتم که چرا رفتی و تدبیر تو این بود گفتا چه توان کرد که تقدیر همین بود"
 "گفتم که نه وقت سفرت بود چنین زود گفتا که نگو مصلحت دوست در این بود"

بخش دوم

۱۳ جولای



خبر اختتام به بسیار زودی، در ظرف کمتر از یک ساعت به سفارت رسید.

در تلگرامی که توسط سفارت به ساعت ده بجه و بیست دقیقه فرستاده شده بود از چهار مرد و سه زن ذکر گردیده بود.

در حقیقت دو خانم بود و سومی گم شده بود و یا این که معجزه آسا همان صبح به دفتر نیامده بود.

تلگرام از عناصر غیر قابل کنترل دسته یا گروهی ۴۸ قوای پولیس نام برده بود. البته این گروه به بسیار زودی شناسایی و مقصر شناخته شدند.

مشکل این بود که تمام ساحه غرب شهر محاصره شده بود، به طور ضمنی محاصره شده بود، بدون این که فیر شود. مگر همراهی حضور آشکار و نمایان افراد مسلح که اکثر شان ملبس با یونیفورم عسکری بودند، در این شرایط یگانه راه، مذاکره و معامله می باشد جهت نجات دادن زندگی شش نفر از کارکنان.

پلان به صورت بسیار دقیق ترتیب شده بود، چند مراتبه مذاکره به تعویق افتاد، زیرا اسلحه ثقیله که منتظرش بودند نمی رسید، و از موقع استفاده شده تا برای اجرای عملیات به صورت دقیق سنجش شود. به دلیلی اسلحه ثقیله خواسته شده بود که قوت های امنیتی پولیس به صورت خوب مسلح شوند، تا بتوانند در صورتی که بالای شان از طرف کوه های جنوب حمله شود دفاع کنند.

از چندین ماه باین طرف راه های جنوب و جنوب شرق بدست شورشیان بود و توسط آنها اداره می شد، یگانه راه همین بود تا قوت های امنیتی با اسلحه ثقیله و سنگین مجهز شوند و قوت های هوایی خارجی توسط هوا آنها را کمک میکرد. اکثریت خارجی ها از چندین ماه بدین طرف افغانستان را ترک کرده بودند، زیرا کار فرما های شان نمی توانستند قیمت بلند برای بیمه شان بپردازند.

« یایتخت، کابل خالی شده از خارجی ها »

۲۰۱۱،۰۷،۲۳

«در وقت حفیظ الله امین من زیاد، زیاد افراد را به دور خود جمع کرده و به جهاد شروع کردم، همه ما مربوط به جمعیت اسلامی بودیم، تقریباً تمام الکوزی ها مرا حمایت می کردند، افراد من تقریباً سه هزار در آن وقت بود.»
ملا نقیب الله (قندهار، فروری ۲۰۰۶).

« من نه شرعیت طالب ها را می خواهم، و نه آزادی ازبکستان را.»

« زه نه د طالبانو شرعیت غورم، او نه د ازبکستان آزادی.»

حاجی عبدالحلیم (قندهار، فروری ۲۰۰۶).

ملا نقیب الله و حاجی عبدالحلیم در سال های ۱۹۸۰ در ولایت قندهار رهبری جبهات منطقوی جهاد را در ولایت خود در مقابل کمونیستان افغان و اشغال گران شوروی داشتند.

در هنگام این حمله مسلحانه علیه اشغال گران شوروی، چیزی که بسیار به مفاد مجاهدین تمام می شد، این بود که در هر منطقه از خود مردم همان منطقه استفاده می گردید و همین دلیل بسیج شدن دسته جمعی و گروهی از خود مردم منطقه باعث گردیده بود تا مصارف ناشی از بسیج شدن تقلیل یابد.

ریفرانس به این دو نقل قول و خصوصیت و مشخصات، که عبارت است:

از یک طرف ملا نقیب الله تأیید می کند که قوای مقاومت زیادتر بالای شبکه منطقوی تکیه می کرد، همبسته، متحد و یک پارچه، و از طرف دیگر انگیزه رزمندگان، هدف ایدئولوژیکی نبوده بلکه زیادتر بالای ارزشهای مختص باشندگان

این وطن میباشد، که تهداب این ملت بالایش گذاشته شده است. به همین مناسبت در اظهارات خود حاجی عبدالعلیم، می گوید: «نه شریعت طالب ها را، و نه آزادی ازبکستان» را می پذیرد.

واضحاً انزجارش را در مقابل هر نوع قوانین یا ایدولوژی از نظر معنوی و اخلاقی و یا قضایی خارج از سیستم و ارزش های که خود شان به آن معتقد هستند نمی پذیرند.

این دو مثال یا این دو اظهار، جواب در مقابل مشکل عمومی در قسمت داخل شدن و یا عبور به عمل منسجم میباشد. از یک طرف این عمل اخیرالذکر بالای ارتباطات اجتماعی و شبکه اتحاد و همبستگی تکیه می کند و از طرف دیگر کشمکش، نزاع و درگیری در بازی های ارتباطات خصومت و موجودیت یک دلیل مشترک که به یک عده زیادی از مردم اجازه می دهد تا در آن هویت خود را دریافت کنند.

ارائه و عرصه سیاسی - اجتماعی:

براشت از ارائه دادن یا عرضه کردن:

معلوم دار است که هنگامی که یک فعال اجتماعی در مقابل یک ناظر اوضاع قرار می گیرد، باید به سوالاتش جواب داده شود.

- ناظر کیست؟

- من برای او کی هستم؟

- منافع من در این موقعیت از این گفت و گو چه است؟

- چه قابل ارائه است و چه قابل ارائه نیست؟

- چرا این قسم است؟

جواب به این سوالات از تعداد زیاد عناصر تشکیل یافته است، که به فعالان سیاسی - اجتماعی اجازه عمل نمودن در این عرصه را می دهد.

سوالی مدغم نمودن « طالب های معتدل » در سیستم سیاسی افغانستان:

آغاز گشایش سیستم یا ستراتیژی بقا:

اولین اشاره و بیان کردن به یک عده طالب ها که « طالب های معتدل » نامیده شدند، برمی گردد به یکی از کنفرانس های حامد کرزی.

حامد کرزی صریحاً نهادینه کردن گفت و گو را با طالب ها اعلان نمود، «طالب های معتدل» و « طالب های پیشیمان» که دست شان به خون آلوده نیست و به رهبران این جنبش تعلق نداشته باشند، ما برای گفت و گو با ایشان آماده هستیم.

باز هم این سؤال قبل از دوره دوم انتخابات مورد بحث قرار گرفت، که تعبیر آن نشان دهنده آرزوی کاندید یا داوطلب دوباره انتخاب شدن خودش را می‌رساند، و به این ترتیب زمینه را جهت آماده ساختن رأی دهندگان مناطق پشتون مساعد می‌ساخت.

از روزی که نطق رئیس دولت اعلان نمود که گفت و گو با یک شخصیت مهم این جنبش انجام شد، سؤال دوباره مدغم شدن طالب‌های معتدل هر روز در گردهمایی در کابل مطرح بحث گردیده است.

به قرار گفته قدرت مرکزی این ادغام برای انتقاد کنندگان پروسه بُن، راه را جهت مذاکره باز و آن‌ها را از حالت در حاشیه بودن بیرون و به زندگی سیاسی به صورت نهادی داخل میگرداند. و این دلالت می‌کند به ستراتیژی گشایش سیستم که از یک جهت راه را برای مخالفین باز، و از جهت دیگر باعث آوردن تنوع در شخصیتهای سیاسی میگردد.

بسیار جالب است که بعد از انتخابات این ستراتیژی رجوع و ادغام به صورت معکوس به مشاهده می‌رسد، به این معنی که اعضای کابینه نو همه از حلقه نزدیکان رئیس جمهور منتخب می‌باشند.

به چه اندازه خواهیم توانست، به ادغام «طالب‌های معتدل» که اجازه بروز یک زندگی سیاسی استندرد و عادی را بدهد موفق شد؟

آیا این تعریف برای یک تعداد اشخاص، نشان دهنده یک ساختار نو در اوضاع و احوال کشور است و یا پوشاندن یک حقیقت سیاسی؟

بالاخره آیا ادغام «طالب‌های معتدل» نشان دهنده یک جواب متناسب عبور مخالفین در خشونت‌های مسلحانه است؟

ادغام «طالب‌های معتدل»: یک جواب به مخالفین معترض به افراط‌گرایی.

هدف اساسی ادغام «طالب‌های معتدل»، اصلاح از خلای کسری یا کمبود حضور اهالی پشتون مخصوصاً اهالی ولایات جنوب و جنوب شرق کشور.

حضور اهالی این مناطق ضروری است زیرا این کمبود نمایانگر، خشونت‌های مسلحانه در این مناطق می‌باشد.

آیا باز هم می‌تواند راه حل از افراط‌گرایی باشد

ادامه دارد.